

«قانون نمونه آنستیرال راجع به داوری تجاری بین‌المللی (۱۹۸۵) با اصلاحات سال ۲۰۰۶»

فصل اول: مقررات عمومی

ماده ۱: قلمرو اعمال^۱

(۱) این قانون ضمن رعایت هر گونه موافقت‌نامه لازم‌الاجرا میان این کشور و سایر کشورها، بر داوری تجاری^۲ بین‌المللی اعمال می‌شود.

(۲) مقررات این قانون، به استثنای مواد ۸، ۹، ۱۷(ح)، ۱۷(خ)، ۱۷(د)، ۳۵ و ۳۶، تنها در صورتی اعمال می‌شوند که مقرر داوری در قلمرو این کشور واقع شده باشد.

(ماده ۱(۲) در جلسه سی و نهم کمیسیون در سال ۲۰۰۶ اصلاح گردیده است)

(۳) داوری در صورتی بین‌المللی قلمداد می‌شود که:

(الف) محل تجارت طرفین موافقت‌نامه داوری در زمان انعقاد موافقت‌نامه داوری در کشورهای متفاوتی واقع شده باشد؛ یا

(ب) یکی از محل‌های زیر خارج از کشور محل تجارت طرفین باشد:

(۱) مقرر داوری، در صورتی که در موافقت‌نامه داوری یا بر اساس آن تعیین شده باشد؛

(۲) هر محلی که قرار است بخش عمده تعهدات ناشی از رابطه تجاری آنجا اجرا شود و یا هر محلی که با موضوع اختلاف

نزدیک‌ترین ارتباط را دارد؛ یا

(پ) طرفین به صراحت توافق کرده‌اند که موضوع موافقت‌نامه داوری به بیش از یک کشور مرتبط است.

(۴) در راستای بند (۳) این ماده:

(الف) چنانچه یک طرف بیش از یک محل تجارت داشته باشد، محل تجارت وی محلی است که نزدیک‌ترین ارتباط را با

موافقت‌نامه داوری دارد؛

(ب) چنانچه یک طرف محل تجارت نداشته باشد، باید به محل سکونت معمول او مراجعه شود.

(۵) این قانون نسبت به سایر قوانین این کشور که به موجب آنها اختلافات خاصی را نمی‌توان به داوری ارجاع نمود و یا منحصرأ حسب

مقررات دیگری غیر از این قانون قابل ارجاع به داوری هستند، تأثیری نخواهد داشت.

۱. عناوین ماده‌ها در این قانون صرفاً برای تسهیل در مراجعه به کار رفته و نباید به منظور تفسیر مورد بهره‌برداری قرار گیرند.

۲. اصطلاح «تجاری» باید به صورت موسع تفسیر شود، به گونه‌ای که هر دعوای ناشی از هر گونه روابط با ماهیت تجاری قراردادی یا غیرقراردادی را پوشش دهد. روابط با ماهیت تجاری به صورت تمثیلی عبارتند از روابط حقوقی ذیل: هر معامله بازرگانی برای تأمین یا معاوضه کالاها و خدمات؛ قرارداد توزیع؛ نمایندگی یا دلالتی تجاری؛ حق‌العمل کاری؛ اجاره؛ پیمانکاری؛ مشاوره؛ مهندسی؛ مجوزدهی (لیسانس)؛ سرمایه‌گذاری؛ تأمین مالی؛ بانکداری؛ عملیات بیمه؛ قرارداد بهره‌برداری یا امتیاز؛ مشارکت انتفاعی و سایر اشکال همکاری‌های صنعتی یا تجاری؛ حمل و نقل کالا یا مسافری از طریق هوا، دریا، خطوط ریلی یا جاده.

ماده ۲: تعاریف و قواعد تفسیر

در راستای (اجرای) این قانون:

(الف) منظور از «داوری»، هر نوع داوری است خواه از سوی یک سازمان داوری دائمی اداره شود یا خیر.

(ب) «دیوان داوری» به معنای داور واحد یا هیئت داوری است؛

(پ) منظور از «دادگاه» نهاد یا ارگانی از سیستم قضایی یک کشور است؛

(ت) در صورتی که یکی از مقررات این قانون، به استثنای ماده ۲۸، طرفین را برای تعیین موضوع خاصی آزاد گذاشته باشد،

این آزادی شامل حق طرفین برای اعطای صلاحیت تعیین [آن موضوع خاص] به شخص ثالث، از جمله یک سازمان، نیز می‌باشد.

(ث) در مواردی که یکی از مقررات این قانون به این امر اشاره دارد که طرفین توافق کرده‌اند یا می‌توانند توافق کنند یا به نحو

دیگری به موافقت‌نامه طرفین اشاره می‌کند، چنین موافقت‌نامه‌ای هر گونه قواعد داوری مورد اشاره در آن موافقت‌نامه را در بر

می‌گیرد؛

(ت) در مواردی که یکی از مقررات این قانون، به استثنای مقررات مواد ۲۵ (الف) و ۳۲ (۲) (الف)، به دعوایی اشاره دارد، [آن

مقرره] نسبت به دعوای تقابل نیز اعمال می‌گردد و در مواردی که به دفاع اشاره می‌کند، [چنین مقرره‌ای] راجع به دفاع در برابر

دعوای تقابل نیز اجرا می‌شود.

ماده ۲ الف: خاستگاه بین‌المللی و اصول کلی

(آنگونه که کمیسیون در جلسه سی و نهم خود در سال ۲۰۰۶ تصویب کرد).

(۱) در تفسیر این قانون باید به منشأ بین‌المللی و لزوم ترویج وحدت در اجرای آن و رعایت حسن نیت توجه شود.

(۲) مسائل راجع به موضوعات تحت حاکمیت این قانون که به صراحت در آن حل و فصل نشده‌اند، باید مطابق با آن اصول کلی حل

و فصل شوند که این قانون بر آنها استوار است.

ماده ۳: دریافت ابلاغ‌های کتبی

(۱) جز در مواردی که طرفین به نحو دیگری تراضی کرده باشند:

(الف) هر گونه ابلاغ کتبی، دریافت‌شده قلمداد می‌شود، مشروط بر اینکه به شخص مخاطب تحویل داده شود یا به محل

تجارت، سکونتگاه معمول یا آدرس پستی او تحویل گردد؛ چنانچه پس از انجام استعلام معقول هیچ یک از این موارد یافت نشد،

ابلاغیه مکتوب دریافت‌شده تلقی می‌شود، منوط بر آنکه ابلاغیه از طریق نامه سفارشی یا هر وسیله دیگر که متضمن سابقه تلاش

برای تحویل به آخرین محل تجارت، سکونتگاه معمول یا نشانی پستی شناخته‌شده از مخاطب است، ارسال گردد؛

(ب) ابلاغیه در روز تحویل، دریافت‌شده تلقی می‌شود.

(۲) مقررات این ماده در مورد ابلاغیه‌های جریان دادرسی در دادگاه اعمال نمی‌شود.

ماده ۴: انصراف از حق ایراد

اگر یکی از طرفین بداند که هر یک از مقررات این قانون که طرفین می‌توانند از آن عدول کنند یا هر یک از الزامات ناشی از موافقت‌نامه داوری رعایت نشده است و همچنان بدون اظهار اعتراض خود نسبت به عدم رعایت آنها بدون تأخیر ناروا یا چنانچه محدودیت زمانی برای این منظور تعیین شده باشد، در مهلت مقرر، به داوری ادامه دهد، چنین تلقی خواهد شد که حق اعتراض خود را ساقط کرده است.

ماده ۵: حدود مداخله دادگاه

در موضوعات تحت حاکمیت این قانون هیچ دادگاهی نمی‌تواند مداخله کند، مگر در مواردی که در این قانون مقرر شده باشد.

ماده ۶: دادگاه یا مرجع دیگر برای [انجام] تکالیف خاص مساعدت در داوری و نظارت

تکالیف مقرر در مواد ۱۱(۳)، ۱۱(۴)، ۱۳(۳)، ۱۴، ۱۶(۳) و ۳۴(۲) باید از سوی اجرا شود [هر دولتی که این قانون نمونه را وضع نماید، دادگاه، دادگاه‌ها یا جایی که در آن مورد اشاره قرار گرفته است، مرجع دیگری که صالح به انجام این تکالیف است را مشخص می‌کند].

فصل دوم: موافقت‌نامه داوری

گزینه ۱

ماده ۷: تعریف و شکل موافقت‌نامه داوری

(آنگونه که کمیسیون در جلسه سی و نهم خود در سال ۲۰۰۶ تصویب کرد).

(۱) «موافقت‌نامه داوری» توافقی میان طرفین برای ارجاع تمام یا برخی اختلافاتی است که در مورد یک رابطه حقوقی معین، اعم از قراردادی یا غیر قراردادی، حادث شده یا ممکن است حادث شوند. موافقت‌نامه داوری ممکن است به شکل شرط داوری در قرارداد یا به شکل یک موافقت‌نامه مستقل باشد.

(۲) موافقت‌نامه داوری باید مکتوب باشد.

(۳) موافقت‌نامه داوری در صورتی مکتوب است که مفاد آن به هر شیوه‌ای ثبت شود، خواه موافقت‌نامه داوری یا قرارداد اصلی به شکل شفاهی یا به صورت عملی یا به طرق دیگر منعقد شده باشد.

(۴) لزوم مکتوب بودن یک موافقت‌نامه داوری از طریق یک ارتباط الکترونیکی تأمین می‌شود، منوط بر اینکه اطلاعات موجود در آن برای استفاده در ارجاعات بعدی در دسترس باشند؛ «ارتباط الکترونیکی» به معنای هرگونه ارتباطی است که طرفین با استفاده از داده‌پیام‌ها برقرار می‌کنند؛ «داده‌پیام» به معنای اطلاعات تولیدشده، ارسال‌شده، دریافت یا ذخیره‌شده از طریق ابزارهای

الکترونیکی، مغناطیسی، نوری یا ابزارهای مشابه، از جمله تبادل اطلاعات الکترونیکی (EDI)، ایمیل الکترونیکی، تلگرام، تلکس یا نسخه برداری از راه دور [یا فکس] می باشد، اما محدود به این موارد نیست.

(۵) بعلاوه، اگر یک موافقت نامه داوری در تبادل اظهاریه های ادعایی و لوایح دفاعی درج شده باشد که در آن یکی از طرفین مدعی وجود یک موافقت نامه داوری است و طرف دیگر آن را انکار نمی کند، آن موافقت نامه مکتوب است.

(۶) در یک قرارداد ارجاع به هر سندی که مشتمل بر یک شرط داوری باشد، یک موافقت نامه داوری مکتوب را تشکیل می دهد، مشروط بر اینکه چنین ارجاعی به این منظور انجام گیرد که آن شرط [داوری] بخشی از قرارداد را تشکیل دهد.

گزینه ۲

ماده ۷: تعریف موافقت نامه داوری

(آنگونه که کمیسیون در جلسه سی و نهم خود در سال ۲۰۰۶ تصویب کرد.)

«موافقت نامه داوری» موافقت نامه ای است که تمامی اختلافات یا موارد خاصی از آنها را که بین طرفین و به واسطه یک رابطه حقوقی معین حادث شده اند یا ممکن است حادث شوند، خواه قراردادی باشند یا خیر، به داوری ارجاع می دهد.

ماده ۸: موافقت نامه داوری و دعوای ماهوی نزد دادگاه

(۱) دادگاهی که نزد او در مورد موضوعی اقامه دعوا شده است که [آن موضوع] مشمول یک موافقت نامه داوری است، مکلف است در صورت درخواست یکی از طرفین که نباید مؤخر بر ارائه نخستین لایحه او راجع به ماهیت اختلاف باشد، طرفین را به داوری ارجاع دهد، مگر آنکه احراز نماید موافقت نامه داوری باطل و کأن لم یکن، ملغی الاثر و غیر قابل اجرا است.

(۲) در مواردی که دعوای موضوع بند (۱) این ماده اقامه شده است، در عین حال که موضوع در حال رسیدگی در دادگاه است، ممکن است جریان داوری آغاز شود یا تداوم یابد و امکان دارد رأیی نیز صادر شود.

ماده ۹: موافقت نامه داوری و قراردادهای اقدامات تأمینی موقت دادگاه

درخواست یکی از طرفین قبل یا در طول جریان داوری از دادگاه برای صدور قرار تأمینی حمایتی و اقدام دادگاه برای صدور چنین قرار با موافقت نامه داوری مغایرت ندارد.

فصل سوم: ترکیب دیوان داوری

ماده ۱۰: تعداد داوران

(۱) طرفین در تعیین تعداد داوران آزاد هستند.

(۲) در صورت عدم تعیین، تعداد داوران سه [نفر] خواهد بود.

ماده ۱۱: نصب داوران

(۱) هیچ کس نباید به دلیل ملیت خود از انجام داوری منع شود، مگر آنکه طرفین به نحو دیگری تراضی کرده باشند.

(۲) طرفین آزاد هستند تا با رعایت مفاد بندهای ۴ و ۵ این ماده، راجع به آیین نصب داور یا داوران تراضی کنند.

(۳) در صورت عدم تراضی،

(الف) در داوری‌هایی با سه داور، هر یک از طرفین باید یک داور تعیین کند و دو داوری که به این ترتیب انتخاب شده‌اند باید داور سوم را تعیین کنند؛ اگر یکی از طرفین ظرف ۳۰ روز از دریافت درخواست انجام چنین کاری [تعیین داور] از سوی طرف مقابل، نتواند داور را انتخاب کند، یا اگر دو داور ظرف ۳۰ روز از انتخاب آنها نتوانند راجع به انتخاب داور سوم توافق کنند، با درخواست یکی از طرفین، نصب داور باید از سوی دادگاه یا مرجع دیگری که در ماده ۶ تعیین شده است، انجام شود.

(ب) در داوری با داور منفرد، اگر طرفین نمی‌توانند راجع به داور تراضی کنند، بنا به درخواست یکی از طرفین، داور منفرد باید از سوی دادگاه یا مرجع دیگری که در ماده ۶ تعیین شده است، نصب شود.

(۴) در مواردی که بر اساس آیین نصب مورد توافق طرفین،

(الف) اگر یکی از طرفین بر اساس آیین مذکور اقدام نکند، یا

(ب) طرفین یا دو داور نتوانند به توافق مورد انتظار از چنین آیینی دست یابند، یا

(پ) شخص ثالث، از جمله یک سازمان، نتواند وظیفه‌ای را که بر اساس آیین مذکور به او محول شده است، ایفا کند،

هر یک از طرفین می‌تواند از دادگاه یا دیگر مرجع تعیین شده در ماده ۶ درخواست کند تا اقدامات لازم را انجام دهد، مگر آنکه موافقت‌نامه راجع به آیین نصب داور طرق دیگری جهت تضمین نصب مقرر نماید.

(۵) اتخاذ تصمیم راجع به موضوعی که به موجب بندهای (۳) یا (۴) این ماده به دادگاه یا دیگر مرجع تعیین شده در ماده ۶ محول شده است، قابل تجدیدنظر نیست. در نصب داور، دادگاه یا مرجع دیگر باید به هرگونه شرایط لازم برای داور بر اساس موافقت‌نامه طرفین و ملاحظات آنکه احتمالاً نصب یک داور مستقل و بی‌طرف را تضمین می‌کند، توجه لازم را داشته باشد و در مورد داور منفرد یا داور سوم، باید مصلحت‌آمیز بودن نصب یک داور با ملیتی متفاوت از طرفین را نیز در نظر گیرد.

ماده ۱۲: موجبات جرح

(۱) هرگاه به دلیل احتمال انتصاب شخصی به عنوان داور به او نزدیک شوند [با او ارتباط برقرار کنند]، او باید هر اوضاع و احوالی را که ممکن است راجع به بی‌طرفی یا استقلال او تردیدهای موجه ایجاد کند را افشا نماید. یک داور از زمان نصب او و در طول جریان داوری باید هرگونه اوضاع و احوال مشابه را بدون تأخیر برای طرفین افشا نماید، مگر آنکه پیشتر از سوی او از آن مطلع شده باشند.

(۲) داور تنها در صورتی قابل جرح است که اوضاع و احوالی وجود داشته باشد که موجب تردیدهای موجه نسبت به بی طرفی و استقلال او گردد یا وی ویژگی‌های مورد توافق طرفین را نداشته باشد. هر یک از طرفین تنها به استناد دلایلی که بعد از نصب داور از آنها مطلع شده است، می‌تواند داور منصوب خود یا داوری که در نصب او مشارکت داشته است را جرح کند.

ماده ۱۳: آیین جرح

(۱) طرفین آزادند تا با رعایت مفاد بند (۳) این ماده راجع به آیین جرح داور توافق نمایند.

(۲) در صورت فقدان چنین توافقی، طرفی که در صدد جرح داور است باید ظرف ۱۵ روز پس از آگاهی از تشکیل دیوان داوری یا پس از آگاهی از هر گونه اوضاع و احوال موضوع ماده ۱۲(۲)، دلایل جرح را طی لایحه‌ای کتبی به دیوان داوری ارسال کند. دیوان داوری باید راجع به جرح اتخاذ تصمیم نماید، مگر آنکه داور جرح شده از سمت خود کناره‌گیری کند یا طرف دیگر موافق جرح باشد.

(۳) اگر جرح بر اساس آیین مورد توافق طرفین یا بر اساس آیین مقرر در بند ۲ این ماده موفقیت‌آمیز نباشد، طرف جرح‌کننده می‌تواند ظرف ۳۰ روز بعد از دریافت اخطاریه متضمن تصمیم رد جرح، از دادگاه یا دیگر مرجع تعیین شده در ماده ۶ درخواست کند تا راجع به جرح اتخاذ تصمیم نماید که این تصمیم قابل تجدیدنظر نیست؛ مادامی که این درخواست در حال رسیدگی است، دیوان داوری، از جمله داور مورد جرح، می‌تواند جریان داوری را ادامه دهد و رأی صادر کند.

ماده ۱۴: قصور یا عدم امکان انجام وظیفه

(۱) اگر داور به طور قانونی یا بالفعل قادر به ایفای وظایف خود نباشد یا بنابه دلایل دیگر نتواند بدون تأخیر ناروا اقدام کند، در صورتی که از سمت خود کناره‌گیری کند یا چنانچه طرفین بر خاتمه [تعهد او] توافق کنند، تعهد او خاتمه می‌یابد. در غیر این صورت، چنانچه راجع به هر یک از این موجبات [خاتمه تعهد داور] اختلاف نظر وجود داشته باشد، هر یک از طرفین می‌تواند از دادگاه یا مرجع دیگر تعیین شده در ماده ۶ درخواست اتخاذ تصمیم راجع به خاتمه تعهد داور داشته باشد که تصمیم این مرجع قابل تجدیدنظر نیست.

(۲) چنانچه بر اساس این ماده و ماده ۱۳(۲)، داوری از سمت خود کناره‌گیری نماید یا یکی از طرفین با خاتمه تعهد داور موافقت کند، این امر به معنای پذیرش اعتبار هیچ یک از موجبات مقرر در این ماده یا ماده ۱۲(۲) نیست.

ماده ۱۵: نصب داور جانشین

هرگاه بر اساس ماده ۱۳ یا ۱۴ یا بنابه کناره‌گیری [داور] از سمت خود به هر دلیل یا به علت خاتمه تعهد داور بر اساس توافق طرفین یا در هر مورد دیگر پایان تعهد داور، تعهد او خاتمه می‌یابد، داور جانشین باید بر اساس قواعد حاکم بر نصب داور سابق، انتخاب گردد.

فصل چهارم: صلاحیت دیوان داوری

ماده ۱۶: صلاحیت دیوان داوری برای اتخاذ تصمیم راجع به صلاحیت خود

- (۱) دیوان داوری می‌تواند راجع به صلاحیت خود، از جمله هر گونه ایراد نسبت به وجود یا اعتبار موافقت‌نامه داوری، اتخاذ تصمیم کند. بدین منظور، شرط داوری که بخشی از قرارداد را تشکیل می‌دهد، باید موافقت‌نامه‌ای مستقل از دیگر شروط قرارداد قلمداد شود. تصمیم دیوان داوری مبنی بر اینکه قرارداد باطل و کأن لم یکن است به خودی خود مستلزم عدم اعتبار شرط داوری نیست.
- (۲) ادعای عدم صلاحیت دیوان داوری باید حداکثر تا زمان تقدیم لایحه دفاعیه مطرح شود. این امر که یک طرف داور را انتخاب کرده یا در انتخاب آن مشارکت داشته است، او را از طرح چنین ادعایی منع نمی‌کند. این ادعا که دیوان داوری از حدود صلاحیت خود خارج شده است، در طول جریان داوری باید به محض مطرح شدن موضوعی که ادعا می‌شود خارج از حدود صلاحیت اوست، مطرح گردد. در هر صورت، دیوان داوری می‌تواند ادعای مؤخر را بپذیرد، مشروط بر اینکه تأخیر را موجه بداند.
- (۳) دیوان داوری می‌تواند، خواه به عنوان یک امر مقدماتی یا در رأی راجع به ماهیت، راجع به ادعای مذکور در بند (۲) این ماده رأی دهد. اگر دیوان داوری به عنوان یک امر مقدماتی به صلاحیت خود رأی دهد، هر یک از طرفین می‌تواند ظرف ۳۰ روز از تاریخ دریافت ابلاغیه رأی فوق، از دادگاه تعیین شده در ماده ۶ درخواست کند که نسبت به موضوع رسیدگی نماید که تصمیم دادگاه در این مورد غیرقابل تجدیدنظر است؛ در اثنای رسیدگی به این درخواست، دیوان داوری می‌تواند جریان داوری را ادامه دهد و رأی صادر کند.

فصل چهار (الف): قراردادهای اقدامات تأمینی موقت [یا قراردادهای موقت] و دستورهای مقدماتی

(آنگونه که کمیسیون در جلسه سی و نهم خود در سال ۲۰۰۶ تصویب کرد.)

بخش ۱: قراردادهای اقدامات تأمینی موقت

ماده ۱۷: اختیار دیوان داوری برای صدور قراردادهای اقدامات تأمینی موقت

- (۱) دیوان داوری می‌تواند بنابه درخواست یکی از طرفین اقدام به صدور قرار اقدامات تأمینی موقت نماید، مگر آنکه طرفین به نحو دیگری تراضی کرده باشند.
- (۲) اقدام تأمینی موقت، هر گونه اقدام موقتی به شکل رأی یا به شکل دیگری است که به موجب آن در هر زمانی مقدم بر صدور رأیی که بر اساس آن راجع به اختلاف تصمیم نهایی اتخاذ می‌گردد، دیوان داوری به یکی از طرفین دستور می‌دهد تا:
- (الف) وضعیت موجود را تا زمان تعیین تکلیف راجع به اختلاف حفظ کند یا اعاده نماید؛
- (ب) اقداماتی را انجام دهد که از انجام اعمالی که احتمالاً باعث ضرر فعلی یا قریب‌الوقوع یا موجب ضرر به خود فرآیند داوری می‌شود، جلوگیری کند یا از آن اجتناب نماید؛

(پ) زمینه را برای حفظ دارایی‌هایی فراهم کند که ممکن است رأی آتی از محل آن اجرا شود؛ یا
(ت) ادله‌ای که ممکن است با حل و فصل اختلاف مرتبط یا برای آن اساسی باشد را حفظ کند.

ماده ۱۷ (الف): شرایط صدور قرارهای اقدامات تأمینی موقت

(۱) طرفی که با استناد به [مواد] (۱۷)(۲)(الف)، (ب) و (پ) درخواست صدور قرار اقدامات تأمینی موقت می‌کند باید دیوان داوری را متقاعد کند که:

(الف) اگر قرار اقدامات تأمینی موقت صادر نشود، احتمال دارد که ضرر وارد شده به موجب رأی به [جبران] خسارت به اندازه کافی قابل جبران نباشد و محتمل است که چنین ضرری به طور اساسی بیشتر از ضرری باشد که در صورت صدور قرار اقدامات تأمینی موقت به طرفی وارد می‌شود که قرار علیه او صادر شده است؛ و
(ب) احتمال معقولی وجود دارد که طرف درخواست‌کننده در ماهیت دعوا پیروز شود. تعیین این احتمال نمی‌تواند صلاح‌دید دیوان داوری در اتخاذ تصمیم‌های بعدی را تحت تأثیر قرار دهد.

(۲) با توجه به درخواست صدور قرار اقدامات تأمینی موقت بر اساس ماده (۱۷)(۲)(ت)، الزامات مقرر در بندهای (۱)(الف) و (ب) این ماده باید تا حدودی اعمال شود که دیوان داوری مناسب تشخیص می‌دهد.

بخش ۲: دستورهای مقدماتی

ماده ۱۷ (ب): کاربرد دستورهای مقدماتی و شرایط صدور دستورهای مقدماتی

(۱) یکی از طرفین می‌تواند بدون اخطار به طرف دیگر، صدور قرار اقدامات تأمینی موقت همراه با درخواست صدور دستور مقدماتی را درخواست کند تا به یکی از طرفین دستور دهد که هدف قرار اقدامات تأمینی موقت را خنثی نکند.

(۲) دیوان داوری می‌تواند [رأساً] دستور مقدماتی صادر کند مشروط بر اینکه عقیده داشته باشد افشای مقدم درخواست صدور قرار اقدامات تأمینی موقت به طرفی که قرار علیه او صادر شده است، ریسک خنثی کردن هدف از این قرار را در پی دارد.

(۳) شرایط مقرر در ماده ۱۷(الف) نسبت به هرگونه دستور مقدماتی اعمال می‌گردد، مشروط بر اینکه ضرری که بر اساس ماده ۱۷(الف)(۱) ارزیابی می‌شود، باید ضرری باشد که ممکن است از صدور یا عدم صدور چنین دستوری ناشی شود.

ماده ۱۷ (پ): نظام خاص برای دستورهای مقدماتی

(۱) بلافاصله پس از اینکه دیوان داوری راجع به درخواست دستور مقدماتی اتخاذ تصمیم کرد، باید درخواست قرار اقدامات تأمینی موقت، درخواست دستور مقدماتی، دستور مقدماتی، و در صورت وجود، هرگونه ابلاغیه دیگر، از جمله با اشاره به محتوای ابلاغ‌های شفاهی راجع به آنها میان هر یک از طرفین و دیوان داوری را به تمام طرفین ابلاغ کند.

(۲) هم‌زمان، دیوان داوری باید به طرفی که دستور مقدماتی علیه او صادر شده است فرصت دهد تا در نزدیک‌ترین زمان ممکن ادعای خود را مطرح کند.

(۳) دیوان داوری باید به فوریت راجع به هر گونه اعتراض به دستور مقدماتی اتخاذ تصمیم نماید.

(۴) دستور مقدماتی بیست روز پس از تاریخ صدور آن از سوی دیوان داوری منقضی می‌شود. با وجود این، پس از اخطار به طرفی که دستور مقدماتی علیه او صادر شده است و اعطای فرصت به او برای طرح ادعای خود، دیوان داوری می‌تواند نسبت به صدور دستور مقدماتی یا تعدیل آن قرار اقدام تأمینی موقت صادر کند.

(۵) دستور مقدماتی برای طرفین لازم‌الاتباع است، اما مشمول اجرا از سوی دادگاه نیست. دستور مقدماتی از این نوع، رأی قلمداد نمی‌شود.

بخش ۳: مقررات حاکم بر قرار اقدامات تأمینی موقت و دستورهای مقدماتی

ماده ۱۷ (ت): تعدیل، تعلیق، خاتمه

دیوان داوری می‌تواند بنا به درخواست هر یک از طرفین یا در اوضاع و احوال استثنائی و پس از ابلاغ به طرفین و بنا به ابتکار عمل خود، قرار اقدام تأمینی موقت یا دستور مقدماتی اصداری را تعدیل، تعلیق یا لغو کند.

ماده ۱۷ (ث): سپردن تأمین

(۱) دیوان داوری می‌تواند طرف متقاضی قرار اقدام تأمینی موقت را به سپردن تأمین مناسب برای این قرار ملزم نماید.

(۲) دیوان داوری باید طرف متقاضی دستور مقدماتی را به سپردن تأمین مناسب ملزم نماید، مگر آنکه دیوان داوری سپردن تأمین را نامتناسب یا غیرضروری تشخیص دهد.

ماده ۱۷ (ج): افشا

(۱) دیوان داوری می‌تواند به فوریت هر یک از طرفین را به افشای فوری هر گونه تغییر اساسی در اوضاع و احوالی ملزم نماید که قرار بر مبنای آن اوضاع و احوال درخواست یا صادر شده است.

(۲) طرفی که درخواست [صدور] دستور مقدماتی می‌کند باید تمام اوضاع و احوالی را که ممکن است با تصمیم دیوان داوری برای صدور یا ابقای دستور مرتبط باشد را افشا کند و مادامی که طرفی که دستور علیه او درخواست شده برای طرح مواضع خود فرصت دارد، این تعهد ادامه دارد. پس از آن، بند (۱) این ماده اعمال می‌گردد.

ماده ۱۷ (ح): هزینه‌ها و خسارت‌ها

طرفی که درخواست قرار اقدامات تأمینی موقت می‌کند یا تقاضای دستور مقدماتی دارد، نسبت به تمام هزینه‌ها و خسارات وارده به هر یک از طرفین که ناشی از قرار یا دستور باشند، مسئول است، مشروط بر اینکه دیوان داوری بعداً تصمیم گیرد که در چنان اوضاع و احوالی قرار یا دستور مذکور نباید صادر می‌شد. دیوان داوری می‌تواند در هر مرحله در طول جریان رسیدگی به چنین هزینه‌ها و خساراتی رأی دهد.

بخش ۴: شناسایی و اجرای قرار اقدامات تأمینی موقت

ماده ۱۷ (خ): شناسایی و اجرا

(۱) قرار اقدامات تأمینی موقت صادرشده از سوی دیوان داوری الزام‌آور شناخته می‌شود و با درخواست از دادگاه صالح، بدون توجه به کشوری که در آن صادرشده است با رعایت مفاد مقررات ماده ۱۷(د) اجرا می‌شود، مگر آنکه دیوان داوری به نحو دیگری مقرر کرده باشد.

(۲) طرفی که درصدد شناسایی یا اجرای یک قرار اقدامات تأمینی موقت است یا آن را تحصیل کرده است، باید به فوریت دادگاه را از هرگونه لغو، تعلیق یا تعدیل آن قرار مطلع کند.

(۳) دادگاه کشوری که درخواست شناسایی یا اجرا در آنجا مطرح شده است، در صورتی که مقتضی بداند، به طرف متقاضی دستور می‌دهد تا تأمین مناسب بسپارد، مشروط بر اینکه دیوان داوری پیش‌تر راجع به اخذ تأمین اتخاذ تصمیم نکرده باشد یا اتخاذ چنین تصمیمی برای حفظ حقوق اشخاص ثالث ضروری باشد.

ماده ۱۷ (د): جهات عدم شناسایی یا اجرا^۳

(۱) تنها در موارد ذیل از شناسایی یا اجرای یک قرار اقدامات تأمینی موقت امتناع می‌شود:

(الف) بنا به درخواست طرفی که قرار علیه او صادر شده است، مشروط بر اینکه دادگاه متقاعد شود که:

(۱) چنین امتناعی بنابه دلایل مقرر در ماده ۳۶(۱) الف(۱)، (۲)، (۳) یا (۴) تجویز می‌شود؛ یا

(۲) تصمیم دیوان داوری راجع به سپردن تأمین در ارتباط با قرار اقدامات تأمینی موقت صادرشده از سوی دیوان داوری رعایت نشده است؛ یا

(۳) قرار اقدامات تأمینی موقت از سوی دیوان داوری یا در صورت دارا بودن صلاحیت، از سوی دادگاه کشوری که داوری

در آنجا انجام می‌شود یا بر اساس قانونی که قرار مذکور مطابق آن صادر شده بود، لغو یا تعلیق شده است؛ یا

۳. مراد از شرایط مندرج در ماده ۱۷ (د) تحدید تعداد اوضاع و احوالی است که در آن اوضاع و احوال دادگاه می‌تواند از شناسایی یا اجرای قرار اقدامات تأمینی موقت امتناع ورزد. اگر کشوری شرایط کمتری اتخاذ کند که در آن اوضاع و احوال ممکن است از اجرای قرار [مذکور] امتناع شود، با سطحی از هماهنگی [وحدت رویه] که این مقررات نمونه به دنبال آن است، مغایرتی ندارد.

(ب) اگر دادگاه احراز کند که:

(۱) قرار اقدامات تأمینی موقت با صلاحیت اعطاشده به دادگاه مغایر است، مگر آنکه دادگاه تصمیم بگیرد قرار اقدامات تأمینی موقت را به اندازه‌ای که برای انطباق با صلاحیت و رویه او در راستای اجرای آن قرار و بدون تغییر ماهیت آن لازم باشد، تعدیل کند؛ یا

(۲) هر یک از موجبات مقرر در ماده ۳۶(ب)(۱) یا (۲) در خصوص شناسایی یا اجرای قرار اقدامات تأمینی موقت اعمال شود.

(۲) هرگونه تصمیم اتخاذی از سوی دادگاه بنابه هر یک از دلایل مندرج در بند (۱) این ماده باید تنها در راستای درخواست شناسایی و اجرای قرار اقدامات تأمینی موقت باشد. دادگاهی که شناسایی یا اجرای قرار از آن درخواست می‌شود، در مقام اتخاذ تصمیم نباید ماهیت قرار اقدامات تأمینی موقت را بررسی کند.

بخش ۵: قرار اقدامات تأمینی موقت صادره از دادگاه

ماده ۱۷ (ذ): قرار اقدامات تأمینی موقت صادره از دادگاه

صرف نظر از اینکه مقر جریان‌های دآوری در قلمرو این کشور است، دادگاه باید در صدور قرار اقدامات تأمینی موقت در ارتباط با جریان‌های دآوری از همان صلاحیتی برخوردار باشد که نسبت به جریان دادرسی در دادگاه‌ها از آن صلاحیت برخوردار است. دادگاه باید این صلاحیت را مطابق با رویه خود، با در نظر گرفتن ویژگی‌های خاص دآوری بین‌المللی، اعمال کند.

فصل پنجم: اجرای جریان‌های دآوری

ماده ۱۸: رفتار مساوی با طرفین

با طرفین باید به مساوات رفتار شود و باید به هر یک از طرفین فرصت کامل برای طرح ادعای خود داده شود.

ماده ۱۹: تعیین قواعد رسیدگی

(۱) طرفین آزادند با رعایت مقررات این قانون، راجع به آیین رسیدگی متبوع دیوان دآوری در اجرای جریان دآوری تراضی کنند.

(۲) در صورت فقدان چنین توافقی، دیوان دآوری می‌تواند با رعایت مقررات این قانون، دآوری را به نحوی که مناسب تشخیص می‌دهد اجرا کند. اختیار اعطاشده به دیوان دآوری، اختیار اتخاذ تصمیم راجع به قابلیت استماع، ارتباط، اهمیت و ارزش هرگونه دلیل را در بر می‌گیرد.

ماده ۲۰: مقر دآوری

(۱) طرفین آزاد هستند تا راجع به مقر دآوری توافق کنند. در صورت عدم توافق، مقر دآوری باید با در نظر گرفتن اوضاع و احوال پرونده، از جمله راحتی طرفین، از سوی دیوان دآوری تعیین گردد.

(۲) صرف نظر از مقررات بند ۱ این ماده، دیوان داوری می تواند برای شور میان اعضا [ی خود]، استماع شهود، کارشناسان یا طرفین، یا برای بازرسی کالا، سایر اموال یا اسناد در هر محلی که مناسب تشخیص می دهد، تشکیل جلسه دهد، مگر آنکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

ماده ۲۱: آغاز جریان داوری

جریان داوری در مورد یک اختلاف خاص در تاریخی آغاز می شود که درخواست ارجاع آن اختلاف به داوری از سوی خوانده دریافت شود، مگر آنکه طرفین به نحو دیگری تراضی کرده باشند.

ماده ۲۲: زبان

(۱) طرفین آزاد هستند که در مورد زبان یا زبان هایی که باید در جریان داوری به کار روند، توافق کنند. در صورت فقدان چنین توافقی، دیوان داوری باید زبان یا زبان هایی که باید در جریان داوری استفاده شوند را تعیین نماید. این توافق یا تعیین باید نسبت به هر گونه لایحه کتبی هر یک از طرفین، هر گونه استماع و هر گونه رأی، تصمیم یا ابلاغیه های دیگر از سوی دیوان داوری اعمال شود، مگر آنکه در آن [توافق یا تعیین زبان] به نحو دیگری مقرر شده باشد.

(۲) دیوان داوری می تواند دستور دهد که هر گونه ادله کتبی باید با ترجمه به زبان یا زبان های مورد توافق طرفین یا تعیین شده از سوی دیوان داوری همراه باشد.

ماده ۲۳: دادخواست و لایحه دفاعیه

(۱) ظرف مهلت مورد توافق طرفین یا تعیین شده از سوی دیوان داوری، خواهان باید حقایقی که مؤید ادعای او هستند، نکات محل نزاع و طریق جبران یا خواسته دعوی را شرح دهد و خوانده باید دفاع خود را درباره این موارد اظهار نماید، مگر اینکه طرفین راجع به عناصر ضروری این لوایح به نحو دیگری تراضی کرده باشند. طرفین می توانند تمام مدارکی را که مرتبط قلمداد می کنند همراه با لوایح خود تقدیم کنند یا به اسناد و دیگر ادله ای که ارائه خواهند کرد، ارجاع دهند.

(۲) در صورتی که طرفین به نحو دیگری توافق نکرده باشند، هر یک از طرفین می تواند دعوا یا دفاع خود را در طول جریان داوری اصلاح یا تکمیل کند، مگر اینکه دیوان داوری تجویز چنین اصلاحی را به دلیل تأخیر در انجام آن نابجا تشخیص دهد.

ماده ۲۴: استماع و آیین رسیدگی کتبی

(۱) مشروط به رعایت هر گونه توافق مغایر از سوی طرفین، دیوان داوری باید تصمیم بگیرد که آیا برای ارائه ادله یا استدلال شفاهی، جلسه استماع شفاهی برگزار نماید یا جریان داوری بر مبنای اسناد یا دیگر مدارک اجرا شود. با وجود این، در صورت درخواست یکی از طرفین، دیوان داوری باید در مقطع مناسبی از جریان داوری جلسه استماع برگزار کند، مگر آنکه طرفین توافق کرده باشند که هیچ جلسه استماعی برگزار نخواهد شد.

(۲) هرگونه استماع و هرگونه جلسه دیوان داوری به منظور بازرسی کالا، دیگر اموال یا اسناد باید از قبل به شکل مناسب به اطلاع طرفین برسد.

(۳) تمام لوائح، اسناد یا اطلاعاتی که یکی از طرفین به دیوان داوری ارائه می کند، باید به طرف دیگر ابلاغ شود. همچنین، هرگونه گزارش کارشناسی یا مدرک مثبت که ممکن است دیوان داوری در اتخاذ تصمیم به آنها استناد نماید، باید به طرفین ابلاغ گردد.

ماده ۲۵: قصور هر یک از طرفین

(۱) جز در صورتی که به نحو دیگری توافق شده باشد، چنانچه بدون ارائه دلیل کافی،

(الف) خواهان دادخواست خود را بر اساس ماده ۲۳(۱) تقدیم نکند، دیوان داوری جریان رسیدگی را خاتمه می دهد؛

(ب) خوانده لایحه دفاعی خود را مطابق ماده ۲۳(۱) تقدیم نکند، دیوان داوری بدون آنکه صرف این عدم اقدام [خوانده] را

به منزله پذیرش ادعاهای خواهان تلقی کند، جریان رسیدگی را ادامه خواهد داد.

(پ) هر یک از طرفین که در جلسه استماع حاضر نشود یا مدارک مثبت ارائه نکند، دیوان داوری می تواند جریان رسیدگی را

ادامه دهد و بر اساس ادله موجود نزد آن رأی دهد.

ماده ۲۶: کارشناس منصوب دیوان داوری

(۱) جز در مواردی که طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند، دیوان داوری

(الف) می تواند یک یا چند کارشناس نصب کند تا در مورد موضوعات خاصی که از سوی دیوان تعیین می شود، به دیوان

گزارش دهند؛

(ب) می تواند هر یک از طرفین را ملزم نماید تا اطلاعات مربوط را در اختیار کارشناس قرار دهد یا اسناد، کالا یا سایر اموال

مربوط را برای بازرسی [کارشناس] تهیه کند یا امکان دسترسی او به آنها را فراهم نماید.

(۲) در صورت درخواست یکی از طرفین یا در صورتی که دیوان داوری لازم بداند، کارشناس باید بعد از تسلیم گزارش مکتوب یا

شفاهی خود، در جلسه استماعی حاضر شود که طرفین فرصت دارند تا از او سؤال کنند و به منظور شهادت در موضوعات مورد

نزاع کارشناس شاهد حاضر کند.

ماده ۲۷: مساعدت دادگاه در تحصیل دلیل

دیوان داوری یا یکی از طرفین با تأیید دیوان داوری می تواند از دادگاه صالح این کشور برای تحصیل دلیل درخواست مساعدت کند.

دادگاه می تواند این درخواست را در حدود صلاحیت خود و بر اساس قواعد خود راجع به تحصیل دلیل اجرا کند.

فصل ششم: صدور رأی و ختم رسیدگی

ماده ۲۸: قواعد حاکم بر ماهیت اختلاف

(۱) دیوان داوری بر اساس قواعد قانونی که طرفین به عنوان [قواعد] قابل اعمال بر ماهیت اختلاف انتخاب کرده‌اند، راجع به اختلاف اتخاذ تصمیم می‌کند. هرگونه تعیین قانون یا نظام حقوقی یک کشور خاص باید به ارجاع مستقیم به قانون ماهوی آن کشور و نه قواعد حل تعارض آن، تفسیر شود، مگر آنکه به نحو دیگری تصریح شده باشد.

(۲) در صورت عدم تعیین [قانون حاکم]، دیوان داوری باید قانونی را اعمال کند که بر اساس قواعد حل تعارض آن را قابل اعمال تشخیص می‌دهد.

(۳) دیوان داوری تنها در صورتی می‌تواند از روی عدل و انصاف یا به صورت کدخدامنشانه اتخاذ تصمیم نماید که طرفین به صراحت چنین اختیاری به آن داده باشند.

(۴) در تمام موارد، دیوان داوری باید بر اساس شروط قرارداد تصمیم‌گیری کند و باید عرف تجاری حاکم بر معامله را مورد توجه قرار دهد.

ماده ۲۹: اتخاذ تصمیم از سوی هیئت داوران

در جریان‌های داوری با بیش از یک داور، هرگونه تصمیم دیوان داوری باید با اکثریت اعضای آن اتخاذ شود، مگر آنکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند. با وجود این، اتخاذ تصمیم راجع به مسائل شکلی برعهده سرداور است، مشروط بر اینکه طرفین یا اعضای دیوان داوری چنین اختیاری به او داده باشند.

ماده ۳۰: حل و فصل اختلاف

(۱) چنانچه در طول جریان داوری طرفین اختلاف را حل و فصل نمایند، دیوان داوری باید جریان رسیدگی را خاتمه دهد و در صورت درخواست طرفین و عدم ایراد دیوان داوری، [حل و فصل اختلاف را] در قالب رأی داوری با شرایط مورد توافق ثبت کند.

(۲) رأی مبتنی بر شرایط مورد توافق [یا رأی‌سازی] باید مطابق مقررات ماده ۳۱ صادر شود و باید تصریح گردد که [چنین تصمیمی] رأی محسوب می‌شود. چنین رأیی واجد همان وضعیت و اثری است که هر رأیی راجع به ماهیت اختلاف [آن وضعیت و اثر را] دارد.

ماده ۳۱: شکل و محتوای رأی

(۱) رأی باید به شکل کتبی صادر شود و از سوی داور یا داوران امضا گردد. در جریان‌های داوری با بیش از یک داور، امضای اکثریت اعضای دیوان داوری کافیت، مشروط بر اینکه دلیل هرگونه امضای محذوف تصریح شود.

(۲) رأی باید متضمن دلایلی باشد که بر آنها استوار است، مگر آنکه طرفین توافق کرده باشند که هیچ دلیلی ارائه نشود یا رأی بر اساس ماده ۳۰، یک رأی مبتنی بر شرایط مورد توافق [یا رأی سازشی] باشد.

(۳) رأی باید تاریخ آن و مقر داوری را که بر اساس ماده ۲۰(۱) تعیین شده است، مقرر نماید. فرض بر آن است که رأی در آن مقر صادر شده است.

(۴) پس از صدور رأی، یک رونوشت امضا شده [رأی] از سوی داوران بر اساس بند ۱ این ماده، باید به هر یک از طرفین تحویل شود.

ماده ۳۲: خاتمه جریان رسیدگی

(۱) جریان داوری به واسطه [صدور] رأی نهایی یا دستور دیوان داوری بر اساس بند ۲ این ماده خاتمه می‌یابد.

(۲) در موارد زیر دیوان داوری باید دستور خاتمه جریان داوری را صادر کند:

(الف) خواهان دعوای خود را مسترد کند، مگر آنکه خوانده به این امر اعتراض نماید و دیوان داوری احراز کند که در نیل به

حل و فصل نهایی اختلاف برای خوانده یک نفع مشروع وجود دارد؛

(ب) طرفین بر خاتمه جریان داوری توافق کنند؛

(پ) دیوان داوری احراز کند که بنا به هر دلیل دیگری تداوم جریان داوری غیر ضروری یا ناممکن است.

(۳) با رعایت مقررات مواد ۳۳ و ۳۴(۴)، با خاتمه جریان داوری تعهد دیوان داوری نیز خاتمه می‌یابد.

ماده ۳۳: اصلاح و تفسیر رأی؛ رأی تکمیلی

(۱) جز در مواردی که طرفین بر مهلت زمانی دیگری تراضی نکرده باشند، ظرف ۳۰ روز از تاریخ دریافت رأی:

(الف) یک طرف می‌تواند، با اخطار به طرف دیگر، از دیوان داوری درخواست کند هر گونه اشتباه محاسباتی، هر گونه اشتباه

تحریری یا تایپی یا هر گونه اشتباهی با ماهیت مشابه را تصحیح کند.

(ب) در صورت توافق طرفین، یکی از آنها می‌تواند با اخطار به طرف دیگر از دیوان داوری درخواست کند تا از موضوع یا

بخش خاصی از رأی تفسیری ارائه دهد.

چنانچه دیوان داوری درخواست را موجه تشخیص دهد، باید ظرف ۳۰ روز از [تاریخ] دریافت درخواست، اصلاح را انجام

دهد یا تفسیر را ارائه کند. تفسیر بخشی از رأی را تشکیل خواهد داد.

(۲) دیوان داوری می‌تواند هر گونه اشتباه مذکور در بند (۱)(الف) این ماده را بنابه صلاح دید خود ظرف ۳۰ روز از تاریخ رأی اصلاح

کند.

- (۳) هر یک از طرفین با ارسال اظهار به طرف دیگر می‌تواند ظرف ۳۰ روز از [تاریخ] دریافت رأی از دیوان داوری درخواست کند تا در مورد ادعاهایی که در جریان داوری مطرح شده اما از رأی حذف شده است، رأی تکمیلی صادر کند، مگر آنکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند. اگر دیوان داوری درخواست را موجه تشخیص دهد، باید ظرف ۶۰ روز رأی تکمیلی صادر کند.
- (۴) در صورت لزوم، دیوان داوری می‌تواند مهلتی را که در طول آن باید بر اساس بندهای ۱ یا ۳ این ماده رأی را اصلاح یا تفسیر کند یا رأی تکمیلی صادر نماید، تمدید کند.
- (۵) مقررات ماده ۳۱ باید راجع به اصلاح یا تفسیر رأی یا رأی تکمیلی اعمال شود.

فصل هفتم: اعتراض به رأی

ماده ۳۴: درخواست ابطال رأی به عنوان طریق انحصاری اعتراض به رأی داوری

- (۱) اعتراض به رأی داوری در دادگاه تنها با درخواست ابطال آن بر اساس بندهای ۲ و ۳ این ماده ممکن است.
- (۲) رأی داوری تنها در موارد زیر از سوی دادگاه تعیین شده در ماده ۶ ممکن است ابطال شود:
- (الف) طرف متقاضی مدرکی ارائه دهد که:
- (۱) طرف موافقت‌نامه داوری موضوع ماده ۷ فاقد اهلیت بوده؛ یا بر اساس قانونی که طرفین موافقت‌نامه را مشمول آن نموده‌اند یا در صورت عدم ذکر این قانون، بر اساس قانون این کشور، موافقت‌نامه مذکور فاقد اعتبار بوده است؛ یا
- (۲) به طرف درخواست‌کننده اظهار مناسب برای نصب داور یا جریان داوری داده نشده یا به نحو دیگری قادر به ارائه ادعاها [یا مواضع] خود نبوده است؛ یا
- (۳) رأی ناظر بر اختلافی است که در شرط رجوع به داوری در نظر گرفته نشده و مشمول آن نیست، یا متضمن اتخاذ تصمیم راجع به موضوعاتی خارج از قلمرو [شرط] رجوع به داوری است، مشروط بر اینکه اگر تصمیمات اتخاذی راجع به موضوعات ارجاع‌شده به داوری از موضوعاتی که به داوری ارجاع نشده‌اند، قابل تمیز باشند، تنها آن قسمتی از رأی ابطال می‌شود که متضمن تصمیمات راجع به موضوعاتی است که به داوری ارجاع نشده‌اند؛ یا
- (۴) ترکیب دیوان داوری یا آیین داوری منطبق با توافق طرفین نباشد، مگر اینکه چنین توافقی با یکی از مقررات این قانون که طرفین نمی‌توانند از آن عدول کنند، مغایرت داشته باشد، یا در صورت فقدان چنین توافقی، [ترکیب دیوان داوری یا آیین داوری] مطابق با این قانون نباشد؛ یا

(ب) دادگاه احراز نماید که:

- (۱) موضوع اصلی اختلاف بر اساس قانون این کشور قابلیت حل و فصل از طریق داوری را ندارد؛ یا
- (۲) رأی با نظم عمومی این کشور مغایرت دارد.

(۳) پس از انقضای سه ماه از تاریخی که طرف درخواست کننده رأی را دریافت کرده است، یا اگر درخواست بر اساس ماده ۳۳ انجام می شود، از تاریخی که درخواست از سوی دیوان داوری مورد رسیدگی قرار گرفته است، نمی توان درخواست ابطال رأی داوری را تقدیم کرد.

(۴) در موارد درخواست ابطال رأی، در صورت اقتضا و درخواست یکی از طرفین، به منظور اعطای فرصت به دیوان داوری برای از سرگیری جریان داوری یا انجام اقدامات مشابه دیگر که [انجام آنها] به عقیده دیوان داوری موجبات ابطال [رأی] را منتفی می سازد، دادگاه می تواند برای مدتی که خود تعیین می کند، جریان رسیدگی به ابطال را تعلیق نماید.

فصل هشتم: شناسایی و اجرای آرا

ماده ۳۵: شناسایی و اجرا

(۱) یک رأی داوری، صرف نظر از کشوری که در آنجا صادر شده است، باید لازم الاجرا شناخته شود و با درخواست کتبی از دادگاه صالح با رعایت مقررات این ماده و ماده ۳۶ اجرا گردد.

(۲) طرفی که به رأی استناد می کند یا متقاضی اجرای آن است باید نسخه اصلی رأی یا رونوشت آن را تسلیم کند. اگر رأی به زبان رسمی این کشور صادر نشده باشد، دادگاه می تواند از طرف متقاضی درخواست کند که ترجمه رأی به زبان مذکور را تسلیم نماید.^۴

(ماده ۳۵ (۲) در جلسه سی و نهم کمیسیون در سال ۲۰۰۶ اصلاح گردیده است.)

ماده ۳۶: موجبات اجتناب از شناسایی یا اجرا

(۱) صرف نظر از اینکه رأی در کدام کشور صادر شده باشد، شناسایی یا اجرای یک رأی داوری تنها در موارد زیر ممکن است رد شود:

(الف) بنابه درخواست طرفی که رأی علیه او مورد استناد قرار گرفته است، مشروط بر اینکه طرف مزبور به دادگاه صالح که از آن درخواست شناسایی یا اجرا شده ادله ای برای اثبات [موارد زیر] ارائه دهد:

(۱) طرف موافقت نامه موضوع ماده ۷ فاقد اهلیت بوده؛ یا موافقت نامه مزبور بر اساس قانونی که طرفین موافقت نامه را مشمول آن نموده اند یا در صورت عدم ذکر این قانون، بر اساس قانون کشوری که رأی آنجا صادر شده است، موافقت نامه مذکور فاقد اعتبار باشد؛ یا

(۲) به طرفی که رأی علیه او مورد استناد قرار گرفته است، اخطار مناسب برای نصب داور یا جریان داوری داده نشده یا به نحو دیگری قادر به ارائه ادعاها [یا مواضع] خود نبوده است؛ یا

۴. شرایط مقرر در این بند به منظور تعیین استانداردهای حداکثری است. از همین رو، اگر کشوری شرایط نه چندان سنگینی در این مورد ابقا نماید، با هماهنگ سازی [وحدت رویه] مورد نظر این قانون نمونه مغایر نخواهد بود.

- (۳) رأی ناظر بر اختلافی است که در شرط رجوع به داوری در نظر گرفته نشده و مشمول آن نیست، یا متضمن اتخاذ تصمیم راجع به موضوعاتی خارج از قلمرو [شرط] رجوع به داوری است، مشروط بر اینکه اگر تصمیمات اتخاذی راجع به موضوعات ارجاع شده به داوری از موضوعاتی که به داوری ارجاع نشده اند، قابل تمیز باشند، تنها آن قسمتی از رأی را می توان شناسایی و اجرا نمود که متضمن تصمیمات راجع به موضوعاتی است که به داوری ارجاع شده اند؛ یا
- (۴) ترکیب دیوان داوری یا آیین داوری منطبق با توافق طرفین نباشد، مگر اینکه چنین توافقی با یکی از مقررات این قانون که طرفین نمی توانند از آن عدول کنند، مغایرت داشته باشد، یا در صورت فقدان چنین توافقی، [ترکیب دیوان داوری یا آیین داوری] مطابق با قانون کشوری نباشد که داوری آنجا انجام گرفته است؛ یا
- (۵) رأی داوری هنوز نسبت به طرفین لازم الاجرا نشده یا از سوی دادگاه کشوری که آنجا یا بر اساس قانون آن کشور صادر شده، ابطال یا تعلیق شده است؛ یا
- (ب) چنانچه دادگاه احراز نماید که:
- (۱) موضوع اصلی اختلاف بر اساس قانون این کشور از طریق داوری قابلیت حل و فصل ندارد؛ یا
- (۲) شناسایی یا اجرای رأی با نظم عمومی این کشور مغایر است.
- (۲) اگر درخواست ابطال یا تعلیق یک رأی به دادگاه مذکور در بند (۱) (الف) (۵) این ماده تقدیم شود، دادگاهی که شناسایی یا اجرای رأی از آن درخواست می شود، چنانچه مقتضی بداند، تصمیم خود را به تعویق می اندازد و نیز می تواند با درخواست طرفی که تقاضای شناسایی یا اجرای رأی را دارد، به طرف دیگر دستور دهد تا تأمین مناسب بسپارد.